

سخنی با رئیس جمهور آمریکا



آقای اوباما

به عنوان یک ایرانی که سی و یک سال وطنم را حزب مطبوع شما و پیش کسوت شما آقای کارتر با سیاست نابخردانه اش از من و میلیونها ایرانی دریغ کردند، با شما سخن می گویم.

سی سال، بهترین، شکوفاترین و جوانترین عمر و زندگی ام را چون زندگی میلیونها ایرانی، حزب شما با سیاست ویرانگرش در غربت غریب غمگین غرب تباه کردند تا با دست گشاده منابع کشورمان را غارت کنند. اما ندانستند که از " گندم ری " * نصیبی نخواهند برد.

سی سال حزب مطبوع شما، همقطاران شما و امروز شما هر بار که بر مسند ریاست جمهوری تکیه زدید، دست تان را به التماس سوی آدمکشان اسلامی دراز کردید تا شاید دست تان را به سبب خدمتی که به این آدمخواران حکومت اسلامی کردید، بفشارند. اما نه اینکه دستتان را نفشردند بلکه بر روی شما تُف انداختند.

سی سال هر امتیاز ممکن را با گشاده دستی به همین از گور گریختگان تاریخ ایران دادید و دستشان را در سرکوب ملت ایران بویژه زنان سالارش باز گذاشتید تا هر چه بیشتر حقوق بشر را نقض کنند بلکه شاید به شما اجازه بدهند دفتری در تهران باز کنید تا رابطه برقرار گردد.

سی سال هرساله همین روز در 13 آبان به وحشی ترین شکلی این نا ایرانیان ایرانی نما، پرچم کشورتان را به آتش کشیدند و می کشند و به ملت آمریکا و تاریخش توهین کردند و می کنند و خانه ی شما را اشغال کردند اما شما هنوز در پی دلجویی آخوندها هستید تا شاید سلام شما را علیک بگیرند.

سی سال جنایات و آدمکشی حکومت اسلامی را نه فقط در ایران و عراق و افغانستان بلکه در لبنان و اسرائیل و جای جای جهان نظاره نمودید. اما بر خلاف عُرف جهان آزاد ملایان را از هرگونه تنبیه و فشاری معاف کردید.

فراموش نکنید تا پیش از به حکومت رسیدن همین آدمخواران در ایران، کشور ما ایرانیان الماسی بود بر کاکل و در گردن کشورهای خاورمیانه. بطوریکه جهان از درخشش تمدن، تاریخ، فرهنگ و پیشرفت ایران در همه سویش رشک می بردند. اما پیش کسوت شما به دلیل تنگ نظری و نادانی در سیاست آن روز جهانی، کشور ایرانیان را با همکاری تنگ نظران دیگر به این روز انداختند که جهانی را همراه ایران نا امن کردند.

شما و حزب مطبوع شما و بویژه آقای کارتر بسیار به ایران و مردم با فرهنگ ایران بدهکار هستید و ایرانیان هیچوقت سیاست حزب مطبوع شما را در به قدرت رساندن همین مالاها و در ویران کردن ایران در تمامیت تمدنی، تاریخی، فرهنگی و حتا نابودی زندگی فرد فرد ایرانی فراموش نمی کنند.

اما شما نه اینکه از سیاست گذشته ی ویرانساز حزب مطبوعتان در عرصه های جهانی و سیاست مخرب آقای کارتر در به آتش کشیدن خاورمیانه و ایران درس نیاموختید بلکه بسیار ناشیانه تر از پیش کسوتتان همین سیاست مخرب را در رابطه با ملایان آدمخوار ادامه می دهید.

آقای اوپاما

بهتر است به جای روضه خواندن در باره ی تاریخ، تمدن و فرهنگ غنی ایران و ایرانی دستات ایرانیانی را بفشارید که برای همان تاریخ، تمدن و فرهنگ غنی هر روز با صدای رسا فریاد می زنند جانم فدای ایران .

بهتر است دست ایرانیانی را بفشارید که علی رغم شادمانی ملایان در به آتش کشیدن شدن برج دوقلوی نیویورک، ساختمان پنتاگون و کشته شدن زندگی سدها انسانهای بیگناه، با شمع روشن و همبستگی با ملت آمریکا و خانواده ی قربانیان در زیر سرکوب جانیان حکومت اسلامی به خیابانها آمدند و انزجار خودشان را از خشونت، ترور و جنگ اعلام کردند.

بهتر است به جای ملایان دست ایرانیانی را بفشارید که شعارهای " مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل " سی سال گذشته را به شعار مرگ بر روسیه و مرگ بر چین و جانم فدای ایران تبدیل کردند.

آقای اوپاما

دیروز وقتی شما به عنوان رئیس جمهور منتخب ملت آمریکا به کاخ سفید رفتید، مطلبی نوشتم و در آن همین روزها را پیش بینی کرده بودم که اگر شما با زبان قدرت با حکومت اسلامی برخورد نکنید، به سرنوشت آقای کارتر دچار می شوید که بعد نفرین ملتی بزرگ بنام ایران در پرونده و پیشانی خود ثبت می کنید.

با هم یکبار دیگر آن نوشته ی دیروز را مرور کنیم تا شاید به اشتباه بودن سیاست مامشات خود با حکومت اسلامی پی ببرید.

" به نظر می رسد پرائنتر نا لازم جمهوری اسلامی که با آمدن دموکراتها در سال 1976 میلادی به کاخ سفید باز شده بود، اینبار با عروج دوباره ی دموکراتها به قدرت، می رود که بسته شود.

زیرا در این سی سال جهان با سیاست غلط جیمی کارتر رئیس جمهور وقت آمریکا، خسارت بزرگی را متحمل شد که دودش علاوه بر چشمان مردم ایران بیش از سایر ملل در چشم آمریکا فرو رفت. جهانی که از موقع به قدرت رسیدن ملاها در ایران در آتش جنگ های بسیاری سوخت و در ترورهای بیشماری از بی گناهان و عاشقان زندگی قربانی گرفت.

گزاره نیست اگر بگویم جهان در این سی سال هیچ وقت رنگ آسایش و امنیت را به خود ندیده است که هیچ حتی زندگی مردمان در پهن دشت گیتی بی ثبات و نا امن گشته است.

در این سی سال ایران و ایرانیان و سپس اسرائیل با شهروندانش بیش از همه از جنگ و سرکوب و ترور صدمه دیده اند که هنوز پایانی برایشان متصور نیست.

زیرا تا وقتی که جمهوری اسلامی در قدرت است نابودی تدریجی ایران و مردم ایران و همچنین کشاندن ترور و جنگ به سرزمین اسرائیل و نا امن کردن زندگی بر مردمان آن دیار اجتناب ناپذیر خواهد بود.

این پرائنتر نا لازم تاریخی در اثر بی کفایتی جهان آزاد می رود در اثر مامشات مستمر اروپا و فرصت طلبی های جاه طلبانه و کشور خوارانه ی چین و روسیه به قدرت اتمی تبدیل شود تا جهان آزاد را سالها چون روسیه و چین به گروگان بگیرد.

پرائنتری که کتمان نمی کند تروریستهای عالم را کمک می کند و سر آن دارد اسرائیل و ملت یهود را " نابود " کند.

پرائنتری که می رود هر چه بیشتر آثار تاریخی، تمدنی و فرهنگی ایرانیان را که فخر و آبروی بشریت است، نابود کند و به جای آن در هر شهر و روستا چاه جمرکان حفر کند.

پرائنتری که با خون و جنون و خرافات می رود دنیا را چنان نا امن کند تا امام رهایی بخششان از چاه جمرکان بیرون آید.

و این همان پرائنتر نا لازمی است که جیمی کارتر با سیاست نابخردانه اش به دنیا تحمیل کرد و سی سال جهان را در جنگ و خونریزی و ترور و نا امنی فرو برد.

و چه سنگین است مسئولیت باراک اوپاما در این شرایط نا هنجار جهانی.

آیا ایشان قادر خواهند بود این کشتی طوفان زده را که کارتر در امواج سهمگین اقیانوس جنگ و ترور و نا امنی رها کرده بود، با درایت به ساحل نجات زندگی امن برساند؟

می دانم که بسیار سخت و دور از توان زمانه است. اما باید آغاز کرد چگونه؟

اولین کار بزرگ اوپاما در کنار سامان دادن به اقتصاد آمریکا و گشودن رونق اقتصاد جهانی از رکود مرگبار امروزی، پافشاری و برقراری صلح در خاورمیانه است.

زیرا یک اقتصاد شکوفا و پویا به یک محیط امن سرمایه گذاری احتیاج دارد.

این میسر نمی شود مگر اینکه صلح در خاورمیانه برقرار شود.
اوباما باید بداند که مانع اصلی صلح در خاورمیانه جمهوری اسلامی است.
باید بداند که سوریه و حزب الله و حماس و جهاد و ده ها سازمان های تروریستی از جمهوری اسلامی ارتزاق می کنند که پولش از جیب و سفره ی ایرانیان به زور سرکوب تأمین و پرداخت می شود.
باید بداند که سلاح های تروریست ها بوسیله ی جمهوری اسلامی تأمین می شود.
باید بداند که آموزش های ترور و عملیات آدم کشی در جا های امن در خاک ایران و سوریه و در قسمت تحت کنترل حزب الله در لبنان انجام می گیرد.

پس باید بداند که برقراری صلح در خاورمیانه حل کردن معضلی بنام جمهوری اسلامی است.
چطور می شود این معضل را حل کرد؟
صد البته با مماشات مثل اروپائیان نمی توان این معضل را حل کرد.
تنها راه غلبه بر جمهوری اسلامی دیپلماسی زبان قدرت است.
زبان قدرت هم این نیست که با توپ و هواپیما به کشور ایران حمله کنیم، خیر.
زبان قدرت امتیاز ندادن به جمهوری اسلامی و تنگ کردن همه ی عرصه ها بر آن است.
در کنار این تنگ کردن و امتیاز ندادن باید روی مردم ایران سرمایه گذاری کرد تا شرایطی بوجود آید که بتوانند حلقومش را در تهران و شهرهای بزرگ بفشارند.

و این آن سیاستی است که جمهوری اسلامی از همه بیشتر می ترسد.
به همین دلیل است که این روزها جمهوری اسلامی برای ترساندن مردم دست به یک ماتور سرکوب سراسری زده است.
چون می داند که ریختن ترس در مردم بر اثر فشار جهانی، مردم را به خیابانها می کشد.
آمدن مردم به خیابان از ده ها حمله ی نظامی برای جمهوری اسلامی خطرناک تر است.
زیرا با حمله ی نظامی مردم یا پاسیو می شوند و یا مبارزه را در کوتاه مدت به جای جمهوری اسلامی، به سوی تجاوز بیگانه برمی گردانند.
زیرا هیچ ایرانی در هیچ شرایطی تجاوز به خاک ایران را نمی تواند تحمل کند.
زیرا ایرانیان معتقد هستند که خاک بیش از هر ارزشی، برایشان ارزش دارد.
به همین دلیل است که می سرایند:

چو ایران نباشد تن من مباد
و جای بسی خوشبختی است که آقای اوباما در مبارزه ی انتخاباتی شان با قاطعیت گفته اند که اورشلیم پایتخت ابدی و تفکیک ناپذیر اسرانیل است.

معنی این حرف این است که اورشلیم مذاکره بردار نیست.
معنی اش این است جمهوری اسلامی، سوریه و تمامی تروریست های منطقه، ببخود آب در هاون می کوبند.
معنی اش این است که آمریکا در رأس کشورهای جهان آزاد از اورشلیم و تمامیت اسرانیل به هر قیمت دفاع می کند.
معنی اش این است آن نظام هایی که خواهان نابودی اسرانیل و ملت یهود هستند، عرصه ها در تمامی زمینه ها بر آنها تنگ و تنگ تر می شود.

و چنین پیامی از جانب آقای اوباما برای جمهوری اسلامی بیش از دیگران چون سم مهلکی است که باید به تدریج در حلقش ریخته شود تا جان دهد.

آیا اوباما از پس این سیاست بر می آید؟
باید گفت هم نه و هم آری
نمی تواند از پس جمهوری اسلامی بر آید، اگر بخواید راه جیمی کارتر را به شکلی دیگر ادامه دهد.
زیرا سیاست جیمی کارتر مماشات با جمهوری اسلامی بود.
و چنین سیاستی جمهوری اسلامی را هر چه بیشتر قوی تر می کند و مردم ایران را خوار و ذلیل تر می تواند، به شرطی که روی اورشلیم چانه نزند و دست و پای جمهوری اسلامی را در سوریه، لبنان، عراق، افغانستان، غزه و ... کوتاه کند و همزمان از مردم ایران برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی بطور همه جانبه حمایت کند و حمله ی نظامی به ایران را از سر خود خارج کند.

در این راه، اوباما جهانی از مردم ایران، اسرانیل و تمامی عاشقان زندگی و منزجر از ترور و آدم کشی را با خود خواهد داشت."

در پایان آرزو می کنم شما این هشدار را از سر خیرخواهی برای صلح و آرامش جهانی جدی بگیرید و برای رهایی جهان از پدیده ی شوم و نکبت آفرین تروریسم، دست آدمکشان اسلامی را در ایران نقشارید بلکه از ملت شریف و آزاده ی ایران در پیشبرد مبارزات مدنی و عدم خشونت پشتیبانی کنید.

بگذارید در تاریخ جهان پرانتزی را که آقای کارتر با به قدرت رساندن ملایان در ایران باز کرده بود و سی سال ایران و خاورمیانه و جهان را در آتش جنگ و تروریسم سوزانده است با سیاست شما و سیاست حزب مطبوع شما بسته شود و جهانی از این بسته شدن این پرانتز حکومت

اسلامی، از وحشت ترور و تروریسم رهایی پیدا کند و نام شما بر کاکل تاریخ همیشه بدرخشد.

" گندم ری " مفهوم تاریخی اش این است که در آغاز خلافت اسلامی در شبه جزیره عربستان بعد از مرگ محمد یک دعوای قبیله ای بین پسر عموهای تاریخی بر سر قدرت در گرفت که با جنگ کربلا و کشته شدن حسین هاشمی پایان یافت.

در این جنگ قبیله ای و برادر کشی ابن زیاد برای آنکه ابن سعد را از تعلق در کشتن حسین هاشمی خارج کند، وعده ی حکومت ری را به او داد. به این معنی اگر ابن سعد حسین هاشمی را بکشد حکومت ری به او خواهد رسید. ابن سعد حسین را کشت اما حکومت ری را به او **ندادند**.

احمد پناهنده